

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی ممیزات ادبیات کودک و نقد سی داستان بعد از مشروطه

استاد راهنما:
دکتر ناصر علیزاده

استاد مشاور:
دکتر رحمن مشتاق مهر

پژوهشگر:
رباب سحری

۱۳۸۹/۱۲
تبریز - ایران

تقدیم بہ:

پدر پرمہر و مادر مہرآموزم

کہ مثل شمع می سوزند تا من زیر نورشان زندگی کردن را تجربہ کنم

و ہمسفر جادہ سبز زندگی ام محمد

و غنچہ خندانم کوثر

تشکر و قدر دانی:

اینک که به لطف و عنایت حضرت دوست این پژوهش به انجام رسید بر خود واجب می دانم که خداوند دستگیر و دوستدار پاکی ها را سپاس گویم که بی عنایت او نه باری به منزل می رسد و نه کاری به انجام. و نیز بر خود واجب میدانم تا از زحمات استاد محترم آقای دکتر ناصر علیزاده که به عنوان استاد راهنمای این پایان نامه همواره راه گشای مراحل مختلف پژوهش بوده اند تشکر و قدردانی نمایم و همچنین از آقای دکتر مشتاق مهر استاد مشاور پایان نامه که در انتخاب و شفاف سازی موضوع پایان نامه کمک کردند و نیز آقای دکتر گلی رییس دانشکده ادبیات و سایر اساتید گروه زبان و ادبیات فارسی سپاسگزاری می نمایم و همچنین از استاد گرانقدر آقای عبدالمجید نجفی که برای نخستین بار مرا با ادبیات کودک آشنا کرد و از تمامی کسانی که به طور مستقیم و غیرمستقیم در گردآوری این مجموعه باری از دوش اینجانب برداشته اند تشکر می کنم به ویژه از خانم جمشیدی مسئول کتابخانه تخصصی ادبیات مقبره الشعرا و خانم شعبانی مربی ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که در تهیه کتاب های مورد نیاز مرا یاری کردند.

و نیز به معنای تشکر دست های مادر فداکارم را می بوسم که فرصت مطالعه و فراغت خاطر را برایم ایجاد می کرد و همسر مهربانم را سپاسگزارم که در طول پژوهش چشم بر تمامی کاستی های زندگی فرو می بست و کوثر کوچک که با چشم های معصومش شاهد نوشتن و خط زدن من بود و گاه حوصله اش سر می رفت.

رباب سحری

۱۷ اسفند ۱۳۸۹

تبریز - ایران

چکیده:

این مجموعه پژوهشی کوتاه پیرامون ادبیات کودک و ممیزات آن است منظور از ممیزات ملاک ها و معیارهایی است که باعث می شود ادبیات کودک و نوجوان از ادبیات بزرگسال جدا شود البته نقدسی داستان بخش دوم عنوان پایان نامه است. در بخش نخست ابتدا نیم نگاهی به تاریخچه ادبیات کودکان ایران بعد از دوره مشروطه شده است تعاریف کلمات کلیدی پایان نامه نظیر ادبیات و کودک در بخش دیگر مجموعه گردآوری شده و سپس جهت استفاده بهتر از معیارهای ممیزه و نیز نقد بهتر داستان ها به کارکردها و اهداف ادبیات کودک اشاره ای شده است. و بعد ممیزات ادبیات کودک به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته است و هر کدام با یک یا چند مثال شرح داده شده است. بخش پایانی نقد سی کتاب کودک و نوجوان است و علاوه بر نقد تکنیک و محتوا به کارکردها و ممیزات آنها نیز اشاره ای شده است.

کلمات کلیدی: ادبیات , کودک , ادبیات کودک , مشروطه

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول: تاریخچه ادبیات کودک.....	۴
فصل دوم: مفاهیم و تعاریف.....	۱۶
۱-۲- ادبیات چیست؟.....	۱۷
۲-۲- التزام شناخت کودک.....	۱۹
۳-۲- کودک کیست؟.....	۲۰
۴-۲- ادبیات کودک چیست؟.....	۲۱
۵-۲- تعریف قصه.....	۲۴
۶-۲- تفاوت قصه و داستان.....	۲۴
فصل سوم: کارکردهای ادبیات کودک.....	۲۶
۱-۳- اهمیت قصه و داستان.....	۲۷
۲-۳- اهداف ادبیات کودک.....	۲۸
۱-۲-۳- کارکرد پند و اندرز.....	۲۹
۲-۲-۳- کارکرد سرگرمی و رفع خستگی.....	۳۲
۳-۳-۳- کارکرد آموزشی.....	۳۶
۴-۲-۳- کارکرد لذت، انگیزش احساسات و زیبایی شناسی.....	۳۸
۵-۲-۳- کارکرد تفکر و تعمق.....	۴۱
۶-۲-۳- کارکرد آگاهیگری.....	۴۳
۷-۲-۳- کارکرد رشد قوه تخیل.....	۴۴
۸-۲-۳- کارکرد سازماندهی ذهن.....	۴۶
۹-۲-۳- کارکرد رشد جهان بینی و پرورش شخصیت کودک.....	۴۷
۱۰-۲-۳- کارکرد رشد هویت ملی.....	۴۹
فصل چهارم: ممیزات ادبیات کودک.....	۵۱
۱-۴- موضوع.....	۵۵
۲-۴- راوی.....	۵۹
۳-۴- شخصیت.....	۶۴
۴-۴- عناصر.....	۷۱
۵-۴- نثر و زبان.....	۷۳

۷۵.....	۴-۶- مکان.....
۷۶.....	۴-۷- عنوان.....
۷۷.....	: فصل پنجم: نقد سی داستان بعد از مشروطه.....
۸۰.....	۵-۱- افطار.....
۸۳.....	۵-۲-.. الدوز و عروسک سخنگو.....
۸۶.....	۵-۳- آیدا دختر ماه.....
۹۳.....	۵-۴- بچه های خاک.....
۱۰۰.....	۵-۵- بچه های سنگان.....
۱۰۴.....	۵-۶- بر لبه پرتگاه.....
۱۱۱.....	۵-۷- تابستان و غاز سفید.....
۱۱۷.....	۵-۸- ترک تحصیل.....
۱۲۰.....	۵-۹- تو کایی در قفس.....
۱۲۲.....	۵-۱۰- خمره.....
۱۲۷.....	۵-۱۱-... در کوچه های خیس.....
۱۳۲.....	۵-۱۲- دو چرخه سبز.....
۱۳۷.....	۵-۱۳- دود پشت تپه.....
۱۴۰.....	۵-۱۴- زود برمیگردیم.....
۱۴۷.....	۵-۱۵- سختون.....
۱۵۱.....	۵-۱۶- سفر به سرزمین آفتاب.....
۱۵۳.....	۵-۱۷- شب یلدا.....
۱۵۶.....	۵-۱۸- شهر فرنگ.....
۱۵۸.....	۵-۱۹- غریب در یا.....
۱۶۲.....	۵-۲۰- فرمانفرمای کوچک.....
۱۶۴.....	۵-۲۱- فندق و کار بزرگ.....
۱۶۶.....	۵-۲۲- قصه الاغه و کلاغه.....
۱۶۷.....	۵-۲۳- قصه های مجید.....
۱۷۴.....	۵-۲۴-.. کفش های مجید.....
۱۷۶.....	۵-۲۵- گرگ ها از برف نمی ترسند.....
۱۸۵.....	۵-۲۶- مربای شیرین.....
۱۸۸.....	۵-۲۷- نوشتم باران باران بارید.....

- ۱۹۰.....۲۸-۵- هدیه ای با گل های آبی.....
- ۱۹۲.....۲۹-۵- هزار آواز.....
- ۱۹۴.....۳۰-۵- یک سنگ یک دوست.....
- ۲۰۰.....نتیجه گیری.....
- ۲۰۱.....فهرست منابع و مآخذ.....

پیشگفتار :

وقتی پایان نامه یا هر تحقیق و پژوهشی را نوشتی و تماش کردی آخر سر می ماند مقدمه و پیش گفتار تا بنویسی و نفس راحتی بکشی. نمی دانی چه بنویسی از مشکلات طرح یا از منابع و موانع آن و یا از ریش خندها و نگاه های تحقیر کننده افراد نا آگاه و گاه ظاهرا آگاه که آن همه درس خوانده ای حالا داری برای بچه ها تحقیق می کنی و کتاب بچه ها را می خوانی ؟ و یا از منت بعضی کتابدارها که با هزار منت کتابی را امانت می دادند یا پس می گرفتند و البته ناانصافی است اگر زحمت بعضی دوستان و آشنایان و بعضی کتابدارهایی را که در مقابل گروه اول بودند و با دلسوزی راهنمایی ام می کردند فراموش کنم بهر حال زمستان گذشته است و سیاهی زغال مانده است و سفیدی زیبای قله های رفیع کوه که مردم آنرا با دست به همدیگر نشان می دهند .

قبل از انجام این پژوهش رشته ادبیات داستانی و به خصوص ادبیات کودک و نوجوان را یک رشته در انزوا مانده و غریب می دانستم که این تحقیق شک مرا به یقین تبدیل کرد زیرا در مراجعه به مراکز پرورش فکری کودکان و نوجوانان که بهترین مرکز برای کتاب های کودکان و نوجوانان است اغلب با کتاب های ترجمه مواجه می شدم تا کتابهای تالیفی در سایر کتاب خانه ها هم خیلی کم کتاب نوجوانی یافت می شد البته اگر اسم آن را می دادی و جای کتاب در قفسه خالی نبود .

کمبود شدید منابع تئوری از دیگر مشکلات این طرح بود . هر چند که عنوان کتابهای مربوط متعدد می نمود اما من در دور و تسلسلی گرفتار شده بودم که هر کتاب ، مطلب یا تعریفی را که ارائه می داد یا منبع آن کتاب قبلی بود یا منبع بود برای کتاب بعدی . به هر حال مطالب همه تکرار مکررات بود و مطلبی از ممیزات به میان نیامده بود مگر در یکی دو مقاله آن هم تنها به صورت اشاره و همین خود نشانه ای از مظلومیت و غربت این رشته در میان سایر رشته های ادبی - هنری است . البته رشد این شاخه هنری را نمی توان نادیده گرفت به ویژه با ظهور پژوهندگان و نویسندگانی چون محمد محمدی ، مرادی کرمانی و این نونهال ظریف کم کم تبدیل به درختی شده است که در آستانه شکوفه دادن و به بار نشستن است .

از مدتها پیش حتی از زمان نوجوانی این اندیشه همواره با من بوده است که چرا ما یک فیلم یا کارتون یا یک داستان را کودکان می دانیم . چرا کارتون هایی مثل پلنگ صورتی را همه دوست دارند و مخاطبی عمومی دارند و همه از آن لذت می برند اما آن دیگری ، فقط خاص کودکان است و حوصله بزرگترها را سر می برد ؟ این فکر همیشه با من بود تا اینکه وقتی پس از چند داستان که برای بزرگسالان نوشته و به استاد گرانقدر آقای عبدالمجید نجفی دادم یک داستان هم برای کودکان نوشتم و استاد پس از مطالعه داستان پیشنهاد کردند که برای همیشه نوشتن برای بزرگسالان را ببوسم و کنار بگذارم و من هنوز هم نمی دانستم که یک فرد باید دارای چه خصوصیتی باشد تا بتواند برای کودکان بنویسد و نیز نمی دانستم یک نوشته باید دارای چه خصوصیتی باشد تا خاص کودکان باشد و اینها درست در زمانی اتفاق می افتاد که من حین تجربه نویسندگی با فرمول های طویل و پیچیده ریاضی و آمار دست و پنجه نرم می کردم و شیرینی های این دنیای پیچ در پیچ را با تمام وجود می چشیدم و لذت می بردم و ادبیات کودک را نیز چاشنی آن کرده بودم حالا چه رابطه ای میان این دو وجود

داشت و دارد خدا می داند . من شیفته هر دو بودم هم فرمول ها و اثبات قضایا و نظم حاکم بر دنیای بی انتهای ریاضی را دوست داشتم و هم دنیای زیبا و زلال کودکان و نوشتن برای آنان را . البته این دو دنیا خیلی با هم غریبه نیستند هر دو به دنیای تخیل وابسته اند تخیل ریاضی قاعده مند تر است و تخیل دنیای کودکان بازتر . تجسم فضای n بعدی به همان اندازه دشوار و نیز لذت بخش است که تجسم اژدهای هفت سر و آسمان پنج خورشیده .

به هر حال ادبیات کودک و ممیزات آن که از دوران کودکی در ذهنم رسوب کرده بود آرام آرام سر بر آورد رشد کرد و بالید و همچنان که ملاحظه می شود موضوع رساله دوره کارشناسی ارشدم شد .

مقدمه :

قلم زدن چه به صورت تألیفی و چه به صورت تحقیقی، در عرصه ادبیات کودکان و نوجوانان دل بزرگ و پر جرأتی می طلبد زیرا که این شاخه هنری در ایران هر چند که عمری به درازای کودک ایرانی دارد و با تولد اولین کودک و با ترنم اولین لالایی زاده شده است ولی به طور رسمی، عمر درازی ندارد و به کودک کند رشدی می ماند که همواره از دیگر همسن و سالان خود عقب مانده است گاه زمین می خورد و دوباره بلند می شود و افتان و خیزان و لنگ لنگان جلو می رود در این میان گاه در هجوم ویروس های گوناگون قرار می گیرد و دچار بیماریهای مختلفی می شود بزرگترین ویروس ادبیات کودک ایران هم، چه در دوره بعد از مشروطه و چه در زمان حال ورود بی حساب و کتاب آثار ترجمه شده به آشفته بازار ادبیات کودک است که گاه از طرف ناشران سودجو و گاه از طرف بعضی مترجمان که نه تنها با ادبیات کودک بلکه با خود کودک و دنیای او غریبه اند وارد بازار می شود. این نوع کتاب های غیر تخصصی و غیر هنری ترجمه بزرگترین آسیب را در طول تاریخ بر پیکره این نهال تازه پا گرفته زده است.

از طرفی دیگر عده ای نیز گمان می برند که قلم زدن در وادی ادبیات کودک و خلق داستان برای مخاطبین کم سن و سال کار زیادی ندارد و هنری نمی خواهد و به قول آقای مرادی کرمانی « خیال می کنند نویسنده کودک جنگلی می سازد و گاو و خرس و خرگوشی می آفریند دوستانی برایشان می تراشد و این می شود داستان کودک و کار دیگری نمی خواهد » (به تلخیص از مرادی کرمانی ، ۱۳۷۱ ، ۵)

این گروه آنهایی هستند که خیال می کنند که تنها کارکرد ادبیات کودک سرگرمی و تفریح است و از مهمترین کارکردهای آن یعنی پرورش و گسترش قوه تخیل، تحریک عاطفه و... غافل اند البته این نوع پندار علاوه بر مردم عامه در میان آگاهان و متخصصان و حتی نویسندگان بزرگسال نیز سرایت کرده است :

« حتی آدم های بسیار مهم ادبیات بزرگسال هم گاهی چیز دندان گیری توی دست و بالشان نباشد بین نوشتن دو اثر مهم برای رفع خستگی برمی دارند داستانی از فیل و بچه غول و روباره و مرغ کاکل به سر می نویسند درست مثل وقتی که در حال طلاق باشند و حوصله پختن غذاهای سنگین درست و حسابی نداشته باشند تخم مرغ آب پز می کنند یا نیمرو درست می کنند که بسیار راحت و دلنشین است. » (مرادی کرمانی ، ۱۳۷۱ ، ۶)

از دیگر سوی این نهال نوپا و شکننده ادبیات کودک ، در سالهای اخیر مورد توجه پژوهندگان و محققان و حتی دانشجویان واقع شده است طوری که علاوه بر کارهای پژوهشی و مقالات تخصصی هر ساله تعدادی

پایان نامه با موضوعات مختلف در این زمینه ارائه می شود. من نیز از مدتها پیش در این اندیشه بودم که چه چیزی باعث جدایی ادبیات کودک از ادبیات بزرگسال می شود؟ و به طور عام، چه چیزی باعث تفاوت میان لباس و کفش و اتاق و... کودک و بزرگسال می شود؟ آیا پیراهن کودک همان پیراهن پدر یا مادر او در اندازه کوچکتر است یا تفاوت های دیگری با آن دارد؟ این تفاوت از کجا ناشی می شود؟ از تفاوت کودک با پدر و مادرش یا از تفاوت تولید کنندگان لباس و کفش و...

مرز میان ادبیات کودکان و بزرگسالان کجاست؟ و آیا اصلاً مرزی وجود دارد یا نه؟ و اگر هست ملاک این مرزبندی چیست؟ و این مرز تا چه حدی شفاف و روشن است؟ آیا صرفاً حضور گاو و فیل و غول و... است که داستانی را خاص کودکان می کند یا معیارهای دیگری نیز هست؟

اینک که دیگر رشته ادبیات کودکان در دانشگاه های تهران و شیراز در حال تأسیس است (و یا تأسیس شده است) هنوز هم گروهی از صاحب نظران بر این باورند که تفاوت ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال تنها در موضوع است و این موضوع داستان است که گروه سنی مخاطب را تعیین می کند و اینجا این سوال پیش می آید که موضوعات جنگی و انقلابی سیاسی، اعتیاد و... را چگونه میتوان برای کودکان نوشت و آنها را باین پدیده ها آشنا ساخت؟

اما گروه دیگری با دید بازتر و گسترده تر به مرز بندی این دو گروه نگرسته اند و معتقدند که نه تنها داستان کودک با داستان بزرگسالان بسیار تفاوت دارد بلکه نویسنده کودک نیز متفاوت از نویسنده بزرگسالان است. نویسنده کودکان مجبور به شناخت کودک و دنیای اوست او باید کودک و دنیای زیبای او را بشناسد و بتواند با مهارت لازم قفل از در این دنیای پر رمز و راز و پیچیده و در عین حال زلال و جذاب بگشاید و داخل آن شود، کودک درون خویش را بیدار نماید آنگاه اثری خلق کند و بتواند تأثیرات مثبت روانی، عاطفی و ذهنی در مخاطب کودک بگذارد.

علاوه بر این، سیستم آموزش و پرورش نیز به نوبه خود ضربه ای کاری بر پیکره این نونهال ظریف می زند چرا که با حذف متون عاطفی و تخیلی از کتاب های درسی کودکان و جایگزین کردن متن ها و داستان هایی که الزاماً باید پیامی را در بر داشته باشند و نکته ای را آموزش دهند کودکان را از مسیر اصلی کتاب خوانی و عادت به مطالعه داستان و شعر دور می کنند در مدارس معمولاً یک جای متروکه را برای کتابخانه در نظر می گیرند و تعدادی کتاب قدیمی که معمولاً با گروه سنی مخاطبان همخوانی ندارند در قفسه ها می چینند و چشم به راه هستند که کودکان بیایند و از آنها استفاده کنند کودکان در وهله اول چیزی را می پسندند که برای آنها شادی آور و لذت بخش باشد تا اینکه حاوی پیام های مستقیم مسواک زدن و ناخن نجویدن و سلام کردن باشد. البته اگر بخواهیم کمی پیش تر برگردیم کودک در سنین نخستین زندگی، بدون توجه به معنی و مفهوم شعرها. تنها شیفته آهنگ و وزن آنهاست حتی او می تواند شعرهایی را که به زبان خود او نیستند ولی موزون و آهنگ دار هستند حفظ کند بدون اینکه معنی آن را بفهمد. هر چه بزرگتر می شود از وزن و آهنگ به معنا و مفهوم شعر گرایش پیدا می کند بعدها او نیز مانند بزرگترها از پند و اندرز مستقیم و امر و نهی گریزان است و

بیشتر طالب شادی و تفریح و سرگرمی است و باز با بزرگتر شدن و تکامل نسبی شخصیت و افزایش توانمندی های ذهنی و عاطفی و روحی، به داستان های اجتماعی، روانشناختی، سیاسی و... که لایه های معنایی نسبتاً عمیقی دارند روی می آورد و آنجاست که می توان گفت: « ادبیات کودک، ادبیات تدریج است درجات این تدریج بر وفق خصوصیات و کیفیات مراحل مختلف رشد مخاطبان اثر تعیین می شود هر موضوع و مفهومی را نمی توان بدون شرط وارد ادبیات کودکان کرد.» (حافظی، ۱۳۸۰، ۳)

بنابراین اگر نوشتن برای کودکان دشوارتر از نوشتن برای بزرگسالان نباشد یقیناً ساده تر و آسان تر نیز نیست آنهایی که در این وادی قدمی برداشته اند و قلمی زده اند از نزدیک با دشواری های نوشتن برای کودکان آشنا هستند. در ظاهر چنین به نظر می رسد که چون ادبیات کودکان یک پا در جهان واقعی و پای دیگر در جهان تخیل و دنیای حیوانات و آسمان و ابرها و... دارد لذا دست نویسندگان باز است تا هر موضوعی و هر شخصیتی و هر فضایی را وارد داستانش بکند غافل از اینکه محدودیت ها و قاعده های دنیای تخیل و نحوه برخورد نویسندگان کودک با این دنیای پر رمز و راز خود از مسائل بسیار حساس ادبیات کودک است. اینها ادبیات کودک را شکل ساده و پیش پا افتاده و عاری از دشواری ادبیات بزرگسالان می دانند که از قلم افراد تازه کار و بی تجربه و ناآشنا با ادبیات بزرگسال می تراود و آن را مقدمه ای برای ورود به دنیای ادبیات بزرگسال می دانند و خیال می کنند که ادبیات کودک مانند ماشین بازی است در برابر اتومبیل واقعی در حالی که چنین نسبت ادبیات کودک همچون اتومبیل سواری است در برابر کامیون یا تریلی با همان تکنیک و پیچیدگی موتور و فرمان و گاز و دنده و... منتها با کارکرد متفاوت و نیز ظاهری متفاوت و نیز مانند ساعت مچی است در برابر ساعت دیواری ساعت مچی دارای همان عقربه ساعت شمار و دقیقه شمار و... است و همان ظرافت ها در ساخت آن بکار رفته منتها کاربرد آن دو متفاوت است و این است قصه پر غصه ادبیات غریب و مظلوم کودکان توانمند و سرشار از انرژی و علاقه ایرانی.

فصل اول

تاریخچه ادبیات کودکان

تاریخچه ادبیات کودکان :

ادبیات غیر رسمی و سنتی کودکان در ایران عمری به درازی عمر پیدایش اولین کودک و مادر دارد . زمانی که اولین مادر ، نخستین کودک خود را با لالائی های شیرین در خواب کرد اولین گونه ادبیات کودک نیز زاده شد . وقتی مادر درد دل ها ، شکوه ها و آرزوهای خود را از زبان خویش برای کودکش خواند و کودک بی توجه به معنا و مفهوم آن در سایه آهنگ شیرین و دلنواز آن پلک بر هم نهاد . ادبیات کودک هر چند خیلی خام و ناپخته ، ابراز وجود کرد . کم کم و خیلی دیر پا گرفت فراز و نشیب ها را طی کرد رشد کرد و بالید و رسید به امروز که حالا به عنوان شاخه ای مستقل در دانشگاهها تدریس می شود . قشرهای مختلف از متخصصان تعلیم و تربیت گرفته تا روانشناسان و جامعه شناسان به پژوهش در مورد آن می پردازند . نظریه صادر می کنند و تحقیق و پژوهش می کنند . خانم توران میر هادی در قسمتی از سخنرانی خود که در نمایشگاه سه روزه کتاب در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در شهریور ۱۳۳۶ ایراد نموده است گفته است :

« امروز نویسندگان بزرگ دنیا نوشتن برای کودکان را کاری دشوارتر از نوشتن برای عموم می دانند و لذا به سخن سرایانی که در این زمینه پیشقدم شده اند با دیده احترام و تحسین خاصی می نگرند و از لطافت و سادگی و سبک نگارش و از قوه تحیل و تصور ایشان الهام می گیرند نوشتن برای اطفال نه تنها از ارزش ادبی و هنری نمی کاهد بلکه بر آن می افزاید ... » (محمدی ، ۱۳۸۱ ، ۵ ، ۲۰۰)

اکنون که سال ها از آن سخنرانی می گذرد و ادبیات کودک روز به روز اوج می گیرد عمق سخنان استاد میر هادی معلوم می شود .

پس از ورود اسلام به ایران قرآن به عنوان پایه ترین کتاب آموزشی در مکتب خانه ها و مساجد تدریس می شد کودک نو آموز نامانوس با الفبای فارسی مجبور بود که کلمات دشوار عربی را متبرکا بخواند و یاد بگیرد بعد از قرآن نوبت به متونی چون تاریخ معجم و گلستان و بوستان ، نامه خسروان و ... می رسید که سرشار از لغات دشوار خوان و دیر فهمی بودند که گاه حتی ملاهای مکاتب هم معنی آنها را نمی فهمیدند و لذا منجر به خستگی روحی و جسمی و دلتنگی نو آموز می شد . در لابه لای این کتابها افسانه های عامیانه ، افسانه های مذهبی و دینی و افسانه های اندرزی نیز در مکتب خانه ها تدریس می شد که به استثنای چند داستان کوچک معمولاً کودکان از این افسانه ها چیزی جز اتلاف وقت عایدشان نمی شد . ملاها این کتاب ها را به سلیقه خودشان انتخاب می کردند و هیچ قانون خاصی در مورد نحوه آموزش و نیز گزینش کتاب برای تدریس وجود نداشت .

ابوالقاسم جنتی عطانی در مقاله کوچکی با عنوان « چند سطر تاریخچه درباره ادبیات کودکان و نوجوانان » که در شماره ۱۰ نشریه سپیده فردا در نهم شهریور ۱۳۳۶ چاپ شده می نویسد :

« در حد دید من تا پیش از دوره صفویه در ادبیات ایران کمتر اتفاق افتاده است که شاعران و نویسندگان قطعاتی به زبان ساده و در خور فهم کودکان بسرایند و یا داستان هائی از این قبیل پردازند که بشود بدان نام « ادبیات کودکان » نهاد و اگر آفریننده ای اثری بوجود آورده است چون سندی مکتوب در دست نیست نمی توان در آن باره بحثی به میان آورد .

در دوران صفویه و اوایل عهد قاجار از نظر تبلیغات مذهبی کتابهائی کوچک به صورت داستان و افسانه برای کودکان نوشته شد که گویندگان و نویسندگان آنها بیشتر از افراد مذهبی بوده اند . در میان این کتابهای کوچک گاه داستانهائی دیده می شود که صرفاً جنبه کودکانه داشته و از جنبه تبلیغات مذهبی ، عواملی در آن دیده نمی شود مانند داستانهائی منظوم « گرگ و روباه » و « خاله سوسکه » .

نخستین گوینده ای که می توان یکی از آثار او را مربوط به کودکان دانست « مولانا نظام الدین عبید زاکانی » است که کتاب « موش و گربه » را سروده است اگرچه عبید در سرودن این داستان نظر دیگری داشته که شاید مربوط به اوضاع سیاسی زمان خود و اشاره اش بحکام ریاکار و ظاهر ساز عصر بوده است ولی میتوان از آن کتاب برای سرگرمی کودکان و نوجوانان استفاده کرد .

در ادبیات کلاسیک ایران ، در خمسه نظامی (لیلی و مجنون) ، یوسف و زلیخای جامی ، اشعاری در نصیحت فرزند دیده می شود سعدی نیز در باب هفتم گلستان ، در تاثیر تربیت چند حکایت کوچک در همین زمینه آورده است . نصایح « قابوسنامه » را نیز می توان در این ردیف نام برد . آیا می توان آنها را با نظایرشان در زمره « ادبیات کودکان و نوجوانان » به حساب آورد ؟

کاری که فعلاً از گذشته در دست است و به صورت نظم برای کودکان ترتیب داده شده است عبارتند از :

- | | | | |
|----------------|------------------|---------------|---------------|
| ۱- گرگ و روباه | ۲- نوروز نامه | ۳- عاق والدین | ۴- خاله سوسکه |
| ۵- حسن و حسین | ۶- شنگول و منگول | ۷- خضر و علی | ۸- دزد و قاضی |

بعد از مشروطه به تاثیر ادبیات اروپایی در ایران توجه به کودکان و داستانهائی کودکانه پیدا شد . ایرج ، نیما و اشرف الدین (نسیم شمال) اشعاری برای کودکان سرودند که در روزنامه های اوایل عصر معاصر ما درج شده است و از آنزمان به ادبیات کودکان و جوانان روز به روز توجه بیشتر شده تا امروز که چندی نشریه و مجله برای کودکان منتشر می شود... (محمدی ، ۱۳۸۱ ، ۵ ، ۱۷۶)

کتاب های درسی مکتب خانه ها کوچک و کم ورق و ارزان قیمت بودند و با چاپ سنگی به چاپ می رسیدند این کتابها هم شامل متن های ساده و روان و کوتاه چون شنگول و منگول می شدند و هم شامل قصه های بلند عامیانه چون حسین کرد شبستری و هم شامل متنهائی که هم خواندن آنها دشوار بود و هم فهمیدن آنها مثل تاریخ معجم و تاریخ نادری که البته هر کدام از آنها با هدف خاصی برای دانش آموزان مکتب خانه ها انتخاب می شدند . سرگرمی ، پند و اندرز ، روان خوانی و ... از جمله انگیزه و دلیل انتخاب این گونه کتابها بود . این کتاب ها از مکتب خانه ای به مکتب خانه دیگر فرق می کردند ولی همه نو آموزان در ابتدا باید قرآن می خواندند و از بر می کردند .

بعضی کتابها هم جنبه آموزشی داشتند مثل قابوس نامه، بوستان، گلستان و دیوان حافظ و ... که البته کودک هفت، هشت ساله چیزی از آن نمی فهمید.

یکی دیگر از دروس مکتب خانه ها را افسانه های مذهبی تشکیل می داد. افسانه های مذهبی که درو نمایه ای بر گرفته از زندگانی پیامبران و امامان و سایر شخصیت های مذهبی دارند شخصیت های ساده ولی پیرایه ای دارند. هدف اینگونه از افسانه ها بیشتر آشنا کردن کودک با شخصیت های مذهبی است و اینکه ائمه و پیامبران نیز مانند ما می زیسته اند. این گونه داستان ها ضمن آشنا کردن کودک با شخصیت های مذهبی، کارکرد اندرزی هم دارند و بیشتر به طور مستقیم به کودک پند و اندرز می دهند اشاره به مهربانی خدا، شفاعت پیامبران و ائمه، آشنا کردن کودک با بهشت و دوزخ و ... از دیگر مشخصات این نوع داستان هاست، عاق والدین و حسنین نمونه ای از افسانه های مذهبی آن دوره هستند هر چند که صحت تاریخی و روایتی افسانه های مذهبی همواره مورد تأیید نبوده با این حال بعنوان منبع درسی مکتب خانه ها استفاده می شد.

«از دیگر کتاب هائی که در گروه ادبیات مکتب خانه ای بوده است و جزو ادبیات رسمی آن زمان به حساب می آمد (همانطور که ابوالقاسم جنتی عطائی در مقاله یاد شده آورده است) موش و گربه عبید زاکانی و در راستای آن موش و گربه شیخ بهائی بوده است. موش و گربه عبید زاکانی شهرت خود را تا پیدایش نخستین آثار ادبیات کودکان حفظ کرده بود و سپس در سایه آثار نو قرار گرفت» (تلخیص از محمدی، ۱۳۸۱، ۳، ۹۶)

به گفته نویسنده (شیخ بهائی)، گربه و موش داستانی تمثیلی است بنابراین لایه های رو ساختی و ژرف ساختی دارد به باور او «مطلب آنکه خوانندگان و مستمعان به کمال تدبر و تفکر در این نظر نمایند تا روزنه خاطر خود را از پرتو انوار معانی روشن گردانند.» (همان، ۹۷)

ادبیات مکتب خانه ای مناظره و بحث و جدل را هم به کودک می آموزد و از طرف دیگر شکل و ظاهر و همچنین کاربرد اشیا را به کودک یاد می دهد معمولاً در این گونه داستان ها که اغلب به طور منظوم روایت می شوند یکی از اشیا برتری خود را به رخ می کشد و داستان اینگونه آغاز می شود و با دخالت شی یا کس دیگری و با قضاوت او خاتمه می یابد افسانه «رز و میش» و «جام و قلیان» از این دسته اند

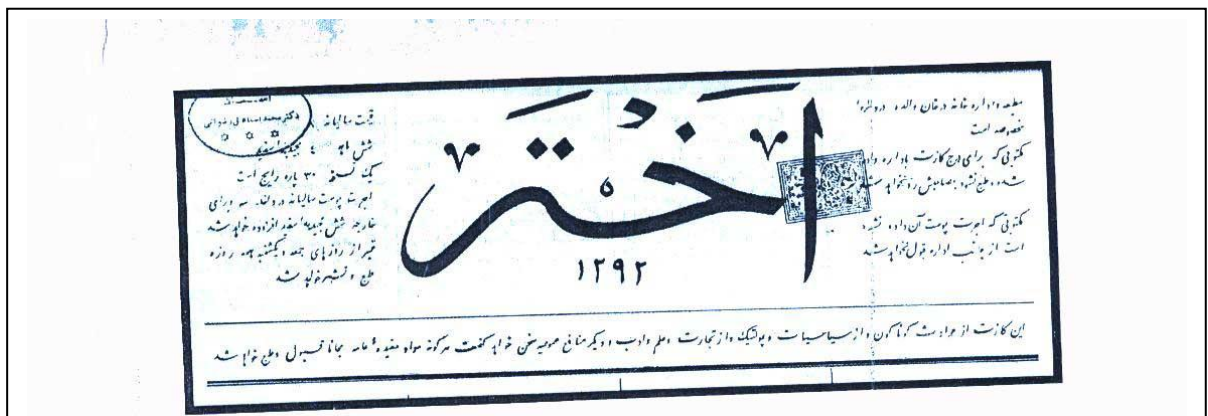
این گونه داستانها علاوه بر جنبه آموزشی بودن جنبه سرگرمی نیز دارد چنانکه در پایان نسخه ای از افسانه جام و قلیان که با قصه گرگ و روباه و پند و نصیحت الحکما یک جا آمده است چنین آمده: «تمام شد قصه شیرین عبارت از گرگ و روباه و جام و قلیان بجهت سرگرمی اطفال» (همان، ۷۰)

در دوره مشروطه زمینه های پیدایش ادبیات نو کودکان پدیدار شد عوامل چندی در ایجاد این زمینه ها موثر بودند که می توان به دگرگونی ساختار اجتماعی، فرهنگی و نیز سیاسی ایران، پیدایش و گسترش صنعت چاپ و در نتیجه پیدایش مطبوعات اشاره کرد این عوامل باعث شد که ادبیات کودکان در ایران از روال سنتی و مکتب خانه ای کم کم فاصله بگیرد و رو به رشد و بالندگی بگذارد.

صنعت چاپ برای بار اول در دوره صفوی به ایران آورده شد و به دلایلی ناکام ماند تقریباً ۲۰۰ سال بعد دوباره صنعت چاپ به ایران آمد و طولی نکشید که فراگیر شد و منجر به نشر آثار سنتی و بعدها به انتشار و چاپ

آثار ترجمه و مطبوعات شد و اینگونه بود که کودکان توده مردم که تا قبل از پیدایش صنعت چاپ از داشتن و مطالعه کتاب محروم بودند صاحب کتاب شدند مطبوعاتی نظیر وقایع اتفاقیه و کاغذ اخبار منتشر و در دسترس عموم مردم قرار گرفت .

از طرفی دیگر همانطور که قبلا هم اشاره شد در مکتب خانه ها کتابهای مختلفی به عنوان منبع درسی تدریس می شد دانش آموز قبل از اینکه الفبا را به طور کامل بیاموزد مجبور بود قرآن بخواند . آنهم گاه با آموزگاری مکتب داران بی سواد و در صورتی که درست نمی نوشتند و درست نمی خواندند چوب فلک بود و دست و پای ظریف ناتوان کودکان چنانکه میرزا تقی خان کاشانی در خاطرات به مکتب رفتن خود می گوید :
 «... همانروزبه الفبا شروع نمودم سرمشقم داد که نوشتن را بیاموزم چون مانند او نوشتم دستهایم را به فلک گذاشت و چوب برانگشتانم نواخت به تربیت آن یک روز قناعت کردم و از آن ویرانه کناره گرفتم...» (همان، ۱۷۵)
 و اینگونه بود که بیشتر دانش آموزان مکتب خانه با احساس ترس و وحشت و نفرت به مکتب خانه و ملا و خط و کتاب نگاه می کردند و اغلب فرار را برقرار ترجیح می دادند و آنهایی هم که زیر چوب و تازیانه دوام می آوردند با دو نوع کتاب سر و کار داشتند یا کتاب هایی بودند که مثل الفیه و شلفیه و خسرو دیوزاد بکلی باعث زوال حیا و عفت کودکان و ظهور صفات رذیله در آنها می شد و یا کتابهایی چون دیوان حافظ بودند که کودک کم سن و سائل قادر به درک عمق معانی آن نبود و تنها چیزی که از این دریای عمیق نصیص می شد خط و خال دلداری و معاشقه کردن با او بود حتی در اندک کتابهایی که جنبه آموزشی و اخلاقی داشتند موضوعات بزرگسالانه دست مایه داستان قرار می گرفتند مثل شکوه ازبی وفایی زنان، نکوهش بی غیرتی مردان و... با صدور فرمان مشروطیت ، در روزنامه های آزادی خواه که خواستار پیشرفت بنیادی ایران در سایه دگرگونی سامانه آموزشی بودند به انتقاد از آموزش مکتب خانه ای و حمایت از سامانه آموزشی نو پرداختند .



۱۷۸

... قاعده تربیه اطفال که مهم ترین کارهای ملتی است خیلی عقب مانده است. در ایران بزرگان و اعیان از برای تربیه اطفال یک لالا و یک ملا تعیین می کنند آن لالا بی سواد و جاهل که هنوز خودش از تربیه و آداب خبری ندارد چگونه آن طفل را میتواند تربیه نماید. روزیکه طفل به لالا سپرده می شود همان روز از برای طفل روز اول تحصیل سوء اخلاق است. جمیع فحاشی و دروغ گوئی و بی ادبی را همان لالای بی انصاف بدبخت یاد طفل میدهد اطفال تا بحد رشد نرسند مجالس پدر و هم صحبتی مردمان ادیب با عقل و هوش را نمی بینند. جمیع ایام را با فرارش و مہتر و اراذل میگذرانند و این گونه سوء حالات را برای اطفال از آداب قرار داده اند.

آندیم سر خدمت جناب ملا بعد از آنکه آن طفل قرآن را ختم کرده شروع می کند به (الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها) و بعد یا نوش آفرین یا ایلی و مجنون را بدستش میدهد. اطفال در ایران هنوز بحد بلوغ نرسیده آتش شهوت را گویا بزور صنعت بدبایشان مشتعل میکنند و طبعشان مایل بافسانه های دروغ و اشعار عاشقانه و گل و بلبل و زلف عنبرین و روی نازنین میگردد. همین قدر اشارت از برای هوشیاران وطن پس است دیگر...

تا این اطفال ما از این سو حال و تربیه رهائی نیابند و کتاب های درس از سر نو ترتیب و اصلاح نشوند و این کتابهاییکه در حقیقت تیشه بنیان ادب و اخلاق است از مکتبهای ما برداشته نشوند تربیه و تذهیب اخلاق اطفال محال و تا اطفال در شریعت اخلاقی تربیه نیابند و پدرهای ادیب و مادرهای صاحب معرفت خوش اخلاق بسیار نشوند انتظام امور دشوار است.

در این زمان دارالفنون تنها مدرسه دوره متوسطه در کشور بود با رشد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در ایران شهر نشینی رو به رشد بود لذا تعداد کودکان ساکن شهر نیز افزایش می یافت. تعدادی از کودکان که تا دیروز در زمره کارگران ساده و کم دستمزد بودند حالا تبدیل به دانش آموز شده بودند اما تعداد مدارس (که تا مدتها دارالفنون یکه تاز میدان بود) پاسخگوی همه ی دانش آموزان نبود و هنوز بیشتر کودکان در مکتب خانه ها الفبا را می آموختند.

« با تصویب اصل نوزدهم متمم قانون اساسی نظارت بر سامانه آموزشی بر عهده دولت قرار گرفت و اداره آن به یک سازمان متمرکز یعنی وزارت علوم واگذار شد. » (محمدی، ۱۳۸۱، ج ۳، ۱۹۰)

میرزا حسن رشديه، پایه گذار آموزشگاه های نو در ایران تلاش می کرد تا آموزش ابتدائی در ایران را به قالبی نو در بیاورد و از این بابت خشم بسیاری از مکتب داران را بر می انگيخت تا جایی که گاهی به مدارس او حمله می کردند و ایشان را مورد شتم و جرح قرار می دادند. اما او با پشت کار تمام و با همراهی مردم حتی از سرمایه شخصی خود برای تاسیس مدرسه نو به کار خود ادامه داد. تا مدتها تنها مدرسه ابتدایی شهر تهران مدرسه رشديه بود اما کم کم تعداد آموزشگاه ها زیاد شد.

از طرف دیگر مکتب خانه ها که نتوانسته بودند هماهنگ با روزگار نو و هماهنگ با فرهنگ مردم رشد کنند ابهت خود را از دست دادند و از جنبش افتادند و آرام آرام جای خود را به آموزشگاههای نو دادند.

طرح نظریه های نو آموزشی از سوی روشن فکران باعث شد که گرایش و حمایت مردم و به ویژه کودکان به آموزشگاههای نو بیشتر شود. کودکی که تا دیروز از درس و مشق آموختن نفرت داشت اکنون به او حق بازی و تفریح و سرگرمی داده بودند روشنفکران با تنبیه و منع کودک از بازی سخت مخالف بودند و بازی را یکی از ابزار آموزش و رشد و تعالی کودک می دانستند زیرا که کودک می توانست بسیاری از نکات آموزشی و اخلاقی را از این طریق فرا گیرد.

میرزا تقی خان کاشانی هم به درست کردن شیرینی هایی اشاره می کند که به شکل الفبا هستند و از فراهم آوردن شکل ها و ابزارهایی سخن می گوید که برای شناساندن جانوران، کارخانه ها و دستگاههای صنعتی بکار برده می شوند.

با رشد و تعالی جایگاه کودک و توجه به نیازهای کودکانه اندیشه خلق آثار نو و ویژه کودک - هر چند به شکل خام و نه چندان نو - در ذهن روشنفکران پدید آمد آثاری چون مسالک المحسنین، سیاحت نامه ابراهیم بیگ و سرگذشت حاجی بابای اصفهانی خلق شد که همگی به وضعیت اجتماعی عهد قاجار پرداخته اند هر چند که این کتاب ها هنوز به طور کامل از ادبیات سنتی جدا نشده اند اما شیوه نگارش نو در آنها به چشم می خورد برای مثال طالبوف در کتاب احمد فن گفت و گو (میان پدر و پسر) را برای بیان مسائل علمی انتخاب کرده است تا بنا به گفته خود او کودکان را با سوال و جواب آشنا کند و بدان عادت دهد با خلق این گونه آثار بود که: « نخستین جوانه های ادبیات نو فارسی پدیدار شد این آثار که به زمینه سازی انقلاب مشروطه یاری

رساندند و ادبیات مشروطه خوانده شدند همه نثری ساده و روان دارند و از طنز سیاسی و انتقاد اجتماعی برخوردارند داستانها بیشتر به شکل گفت و گو نوشته شده اند نویسنده اندرزه‌های خود را در این قالب بیان می‌کند و رویدادها از این راه با هم پیوند می‌خورند ... مخاطبان این آثار دو گروه نوجوانان و بزرگسالان بودند نوجوانان از این آثار بسیار استقبال می‌کردند ...» (همان، ۲۲۰)

تنه اصلی ادبیات کودکان در دوران مشروطه ادبیات اندرزی است. این گونه ادبیات دارای اندرزه‌های مستقیم و نتیجه‌گیری‌های اخلاقی است مثنوی الاطفال بازنویسی شده از مثنوی مولوی و مقدمه اخلاق اساسی باز نویسی شده از بوستان سعدی و گزیده‌هایی از حکایت‌های کليلة و دمنه یا مرزبان نامه نمونه‌ای از این آثار اندرزی هستند بوذاسف و بلوهر در این میان پیشینه‌ای دراز دارد که یکی از نسخه‌های آن در سال ۱۳۱۵ شمسی توسط سید علیرضا ریحان برای نوجوانان بازنویسی شده است.

با گسترش صنعت چاپ و توسعه مطبوعات زبان پر پیرایه داستانی از حالت دشوار به حالت خبری و زبان عامه مردم گرایش پیدا کرد. تا آن زمان که کودکان در مکتب خانه‌ها، با زبان ادبیات سنتی و فرهنگ شفاهی آشنا می‌شدند حالا با پیدایش شیوه‌های نو آموزشی و انتشار آثار نو آموزشی با زبان ساده آشنا شدند و نثر ساده فارسی که یکی از لوازم ضروری ادبیات کودکان است پدید آمد.

«زبان ساده و خبری مطبوعات سامانه ادبی به ویژه نثر را از بیخ و بن دگرگون ساخت و نثر داستانی را به زبان ساده و روزمره نزدیک کرد نیاز نشریه‌ها به داستان و شعر سبب شد که گونه داستان‌هایی با ساختارهای کوتاه و شعرهایی با دورنمایه اجتماعی و سیاسی به کار گرفته شود سادگی پیام و زبان مطبوعات زمینه ساز پیدایش ادبیات نو کودکان شد» (همان، ۱۶۴)

این گونه بود که یکی از مهمترین عوامل پیدایش ادبیات نو کودکان در ایران که دگرگونی در زبان ادبی است در دوره مشروطه اتفاق افتاد.

با ساده شدن زبان و نیز رشد فرهنگی ایران در سایه رفت و آمد استاد و دانشجو از غرب به ایران و بالعکس متخصصان و روشنفکران متوجه شدند که کودکان و نوجوانان قادر به درک زبان دشوار متون کهن فارسی نیستند لذا دست به باز نویسی و تلخیص از ادبیات کهن زدند. این باز نویسی‌ها از نخستین آثاری هستند که برای آموزش کودکان و نوجوانان به روش نو نوشته شده‌اند. این کتابها دارای زبانی ساده بودند. حکایت‌هایی از کليلة و دمنه به نام انوار سهیلی، نگار دانش (منتخبی از عیار دانش) نمونه‌ای از این آثار هستند.

چند نمونه از کتابهای باز نویسی شده در دوران مشروطیت: